

اطلاع رسانی



نقش کلمات در زندگی ما

- ارزشمندترین کلمه گذشت است. آن را تمرین نکنید.
- پر معنی ترین کلمه ، ما است. آن را بکار ببرید.
- عمیق ترین کلمه ، عشق است. به آن ارجح دهید.
- بی رحم ترین کلمه ، تنفر است. با آن بازی نکنید.
- ناپایدارترین کلمه ، خشم است. آن را فرو ببرید.
- خود خواهانه ترین کلمه ، من است. از آن حذر کنید.
- با نشاط ترین کلمه ، کار است. به آن بپردازید.
- بازرگانه ترین کلمه ، ترس است. با آن مقابله کنید.
- پوچ ترین کلمه ، طمع است. آن را بکشید.
- سازنده ترین کلمه ، صبر است. برای داشتنتش دعا کنید.
- توانا ترین کلمه ، دانش است. آن را فرا گیرید.
- لطیف ترین کلمه ، لبخند است. آن را حفظ کنید.
- زیباترین کلمه ، راستی است. با آن روبراست باشید.
- ضعیف ترین کلمه ، حسرت است. آن را نخورید.
- سالم ترین کلمه ، سلامتی است. به آن اهمیت دهید.
- آرام ترین کلمه ، آرامش است. به آن برسید.
- روشن ترین کلمه ، امید است. به آن امیدوار باشید.
- ضروری ترین کلمه ، تفاهم است. آن را ایجاد کنید.
- سعی ترین کلمه ، شناس است. به امید آن نباشید.
- اصلی ترین کلمه ، اعتماد است. به آن اعتماد کنید.
- محکم ترین کلمه ، پشتکار است. آن را داشته باشید.
- دوستانه ترین کلمه ، رفاقت است. از آن سوء استفاده نکنید.
- زشت ترین کلمه ، تمسخر است. آن را فراموش کنید.
- موقرترین کلمه ، احترام است. پربایش ارزش قائل شوید.
- گشاده ترین کلمه ، اغظراب است. آن را نایده بگیریید.
- تاریک ترین کلمه نادانی است. آن را با نور علم روشن کنید.
- علاقه ترین کلمه ، احتیاط است. حواس خودتان را جمع کنید.
- دست و پا گیرترین کلمه ، محدودیت است. اجازه ندهید مانع پیشرفتتان شود.
- صبورترین کلمه ، انتظار است. منتظرش بمانید.
- با ارزش ترین کلمه ، بخشش است. سعی خودتان را بکنید.
- هدفمندترین کلمه ، موفقیت است. پس پیش به سوی آن.

نوشته : علی رضا رستمی

دانش آموز ممتاز



رضا ملکی
دوم ابتدایی
رتبه ممتاز



تورج نظرزاده
مهندسی معدن
معدل 18.85



محمد امین آفاق
اول ابتدایی
رتبه ممتاز

خدا را فراموش نکنیم

ماریتین لوتر باینباگن کلسای لوتری با دشواری های و رنج های بسیاری مواجه بود. روزی همسرش متوجه شد که شوهرش غرق در اندوه و ناامیدی است. او زن با درایتی بود و به مشیت الهی ، ایمان عمیقی داشت. بنابراین ، با دیدن یاس شوهرش ، لباس سیاه پوشید و در برابر او ایستاد.

ماریتین لوتر پرسید: چرا سیاه پوشیده ای ؟

روزی مرد جوانی وسط شهری ایستاد و دعا کرد زیباترین قلب را در تمام آن شهر دارد. عده زیادی برای دیدنش جمع شدند. قلب او کاملاً سالم بود و هیچ خدشه ای بر آن وارد نشده بود. پس همه تصدیق کردند قلب او ، زیباترین قلبی است که تا کنون دیده اند. مرد جوان در کمال افتخار و با صدایی بلند به تعریف از قلب خود پرداخت. ناگهان پیر مردی از میان جمعیت جلو آمد و گفت : اما قلب تو به زیبایی قلب من نیست.

مرد جوان و بقیه جمعیت به قلب پیر مرد نگاه کردند. قلب او با قدرت تمام می تپید. اما پراز زخم بود. قسمت های از قلبش برداشته شده و تکه های دیگر جایگزین آنها شده بود. جاهای خالی به درستی پر نشده بودند و گوشه های نیز به صورت دندانه دندانه در قلبش دیده می شد. همچنین در بعضی نقاط ، شیارهای عمیقی وجود داشت که هیچ تکه ای آنها را پر نکرده بود.

مردم به او می نگریستند و با خود فکر می کردند این پیر مرد چطور ادعا می کند که قلب زیباتری دارد ؟

مرد جوان به قلب پیر مرد اشاره کرد و گفت : تو حتما شوخی می کنی. قلبت را با قلب من مقایسه کن. پیر مرد گفت : درست است. قلب تو سالم به نظر می رسد اما من هرگز قلبم را با قلب تو عوض نمی کنم. می دانی هر زخمی نشانگر آسانی است که من عشقم را به او داده ام. من بخشی از قلبم را جدا کرده ام و به او بخشیده ام و او نیز بخشی از قلب خود را به من داده که به جای آن تکه بخشیده شده را قرار داده ام ، اما چون این دو عین هم نبوده اند. گوشه های دندانه دندانه در قلب خود دارم که برام بسیار عزیزند ، چراکه یادآور عشق در میان دو انسان هستند.

وی ادامه داد: بعضی وقت ها بخشی از قلبم را به کسانی بخشیده ام ، اما آنان چیزی از قلب خود به من نداده اند. اینها همان شیارهای عمیق هستند که اگر چه درآوردند ، اما یاد آور عشقی هستند که داشته ام. امیدوارم آنان نیز روزی برگردند و آن شیارهای عمیق را با قطعه ای که من در انتظارش بوده ام ، پر کنند. پس حلال می کنی که زیبایی واقعی چیست؟



نگاه ماه

دبیرخانه کمیته انترزی : بهزاد بهلولی

نکته هایی برای بهتر زیستن

- ۱- هرروز به سه نفر اظهار ادب کن.
- ۲- در هر بهار گلی بکار.
- ۳- حداقل سالی یک بار طوط آفتاب را تماشا کن.
- ۴- زودتر از دیگری سلام کن.
- ۵- به پیشخدمتی که برایت صبحانه می آورد، بیشتر بده.
- ۶- با مصیبت دست بده.
- ۷- در چشم دیگران نگاه کن.
- ۸- از عبارت «مشکرم» به وفور استفاده کن.
- ۹- از عبارت «خواهش می کنم» به وفور استفاده کن.
- ۱۰- درست کردن غذاهای تند را خوب یاد بگیر.
- ۱۱- سالروز تولد دیگران را به خاطر بسپار.
- ۱۲- کم تر از درآمد خرج کن.
- ۱۳- اتومبیل های ارزان قیمت سوار شو، اما بهترین خانه ای را که در توان داری بخر.

همسرش به آرامی پاسخ داد: مگر نمی دانی که او مرده است؟ لوتر پرسید: چه کسی مرده است ؟ همسرش گفت : خدا. مرد با حیرت پرسید: چگونه می توانی چنین حرفی را بر زبان بیاوری؟ چطور ممکن است خدا بمیرد؟ همسرش جواب داد : اگر خدا نمرده است ، پس تو چرا اینقدر غمگین و ناامید هستی؟ لوتر بی درنگ متوجه اشتباه خود شد و لبخندی بر لبانش نشست و گفت : آری ، نا امید کار شیطان است .



مرد جوان بی هیچ سختی ایستاد و در حالی که اشک از گونه هایش سرازیر می شد ، به سمت پیر مرد رفت. از قلب جوان و سالم خود قطعه ای را بیرون آورد و با دست های لرزان به پیر مرد تقدیم کرد. پیر مرد آن را گرفت و در قلبش جای داد و بخشی از قلب پیر زخمی خود را در جای زخم قلب مرد



قصه یک قلب

جوان گذشت ، مرد جوان به قلبش نگاه کرد ، با اینکه سالم نبود ، اما از همیشه زیباتر می نمود .
اقتباس و بازنویسی : علی رضا رستمی

جرعه های ناب

عمر ، فرصتی کوتاه برای تمام شدن در زخم دنیا و تولد در دامن بهشت است. برای زندگی در این دنیا باید متکی به هوش خود باشی یا نادانی دیگران. ریاست نهی از عدالت ، کانون تکثیر بیشه های شرارت است. همسایه خوب ، ارزش خانه را دو برابر می کند. برای اینکه دانش مکمل ذهن شود ، تعلم کافی نیست ، عمل لازم است. مشاء غم های کران را بیشتر در وجود خود جستجو کنید تا در وجود دیگران. اولین درسی که والدین باید به فرزندان خود بیاموزند ، صداقت است. خطا کردن یک کار «انسانی» است ، اما تکرار آن ، یک کار «حیوانی» است. اگر عقل از عشق کم شود ، باقی ماندنش هوس است. همیشه ثروت را برای زندگی بخواهید ، نه زندگی را برای ثروت.

- ۲۷- جم مردم همان گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار کنند.
- ۲۸- در روز تولد درختی بکار.
- ۲۹- خدو را و دیگران را ببخش.
- ۳۰- سه لطفه مودبانه یاد بگیر.
- ۳۱- کتفش های واکس خورده به پانکن.
- ۳۲- از زنج دندان استفاده کن.
- ۳۳- هرگز تسلیم نشو، هر روز معجزه تازه ای اتفاق می افتد.
- ۳۴- جمی درنگ برای دیگران یادداشت تشکر بفرست.
- ۳۵- شادی ها را به فردا نینداز.
- ۳۶- به افراد با احترام بگذار.
- ۳۷- به افراد پلوس و آتش نشان ها احترام بگذار.
- ۳۸- به افراد نظامی احترام بگذار.
- ۳۹- وقت خود را برای یاد گرفتن «حقه های تجاری» تلف نکن.
- ۴۰- در عرض خود تجارت را یاد بگیر.
- ۴۰- بگذار بدخلق شوی.

حل جدول شماره ۱۹

۵	۶	۲		۱	۸
		۸		۱	۷
			۴		۲
			۷		۶
۷			۵		
	۹		۴		۶
		۸	۳		۵

۶	۷	۸	۳	۱	۲	۵	۹	
۱	۹	۲	۵	۶	۳	۲	۸	
۳	۸	۵	۴	۲	۱	۶	۷	
۵	۷	۴	۱	۳	۲	۸	۶	
۵	۳	۱	۲	۵	۸	۹	۷	۴
۹	۲	۸	۷	۴	۶	۵	۳	۱
۷	۱	۳	۶	۷	۹	۸	۵	۲
۲	۴	۹	۸	۵	۳	۱	۶	۷
۸	۵	۶	۱	۲	۴	۹	۳	۷

اطلاع رسانی



وجدان کاری در نهج البلاغه

از: بهشتعلی قبری

در قرآن کریم آیه ای بیرون کار و ارزش وجود دارد که می فرماید: لیس لانسان الا ما سعی (نجم/۳۹) بر انسان چیزی جز آنچه در نتیجه سعی و کوشش بدست آورده نیست. اگر در این آیه دقت کنیم بطور قطع به ارتباط عمیق بین وجدان و کار پی می بریم چه اگر عمیق خود را براساس تلاش جدی و عمیق استوار نکنند یقیناً نتیجه صحیح و نیکویی از آن بدست نخواهد آورد. بنابراین کار پی نقشه دارای ارزش نیست ، بلکه آن کوشش مفید و موثر است که در سایه جدیت صورت گرفته باشد.

وجدان چیست و تعریف آن کدام است؟ و کار چه توصیفی می تواند داشته باشد و مشخصه های و مولفه های آن کدام است؟ و چه ارتباطی بین وجدان و کار وجود دارد؟ اینها سوالاتی هستند که در مقاله حاضر درصدا پاسخگویی به آنها هستیم. پیش از همه باید متذکر شویم که استناد اصلی در این نوشتار بر نهج البلاغه و نگارش امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت به این دو مساله است.

وجدان تعریف دارند گفته اند که وجدان قوه ای است در باطن شخصی که وی را از نیک و بد اعمال آگاهی دهد. در واقع می توان گفت که خداوند تبارک و تعالی برای تمام آدمیان نیرویی را عنایت کرده که آنها را در تمام لحظات بیاید و بر آنها متذکر شود که با از کلیم اختیارات شرعی و عقلی خود فراتر نگذارند و نیز دایره نیک و بد را برای آنها مشخص کند و همچون چراغ فطری باشد که آنان را از افتادن در چاه ندامت برحذر دارد.

به نظر می رسد که وجدان علاوه بر این کار، کارکرد دیگری نیز دارد و آن تشخیص کم کاری و استیفای امور کردن است به این معنا که اگر آدمی را وجدانی در کار باشد بطور قطع او را از ارتکاب به کم کاری منع و به انجام امور و دقت در آنها تشویق و ترغیب خواهد کرد. حال باید پرسید منظور از کار چیست؟

«آنچه از شخصی یا شیئی صادر شود باید تا بدان وسیله هم معیشت فردی و یا نیازهای جمعی مرتفع گردد»

با توجه به تعریف فوق باید گفت که معمولاً برای دو مقصود در دو بخش اصلی و فرعی انجام می گیرد به این معنا که یکبار آدمی کار را به منظور رفع نیازهای خود انجام می دهد بدون اینکه به منافع جمعی آن توجه و عنایت خاصی داشته باشد، در اینصورت منافع عمیق کار فرعی و سود شخصی و فردی آن اصل محسوب می شود و یکبار هم برعکس است یعنی آدمی کار را برای رفع نیازهای جمعی انجام می دهد اما نهایت بصورت فرعی نفعی هم به انجام دهند آن می رسد.

حال با توجه به تعاریف و تقسیم بندی که از کار و وجدان ارائه کردیم ابتدا به وضع این دو در نهج البلاغه نظری می افکنیم و سپس به بررسی رابطه این دو می پردازیم.

وجدان و نهج البلاغه:

در نهج البلاغه دارندگان وجدان همان کسانی اند که از نعمت قلب سلیم برخوردارند چه وجدان یک امر قلبی است رابطه یقینی با قلب و اوصاف آن دارد. سخن بر سر این نیست که برخی از مردم از نعمت قلب (دل) محرومند بلکه هدف آن است که بعضی از مردم از داشتن وصف سلامتی قلب محرومند. لذا امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: فطربی اللذی قلب سلیم اطاع الله من بهیبه و تنجب من بهیبه . « زهی سعادت آن که به یمن داشتن قلبی سالم» هر آن کس را که از داشتن چنین قلبی متمتع است یقیناً آن را در تمام امور حاکم بر خدا خواهد کرد و هرگز بر فرمان او سرپیچی نخواهد نمود.

آن حضرت بی بهرگان از قلب سلیم رامیاه بی اعتمادی امرای عادل می داند و بدین سبب آنها را مورد عتاب قرار می دهد. اینگونه اشخاص در نظر آن حضرت توانایی حفظ بیت المال را هم ندارند و سپردن امور مسلمین بدانها باعث تخریب امور می شود و چون چنین شرایطی برای آدمی بوجود آید بطور قطع خدا نیز در نظرش کم اهمیت جلوه می کند و نهایتاً او را مسلمین آنچنان آشفته می شود که به تعبیر امیر علیه السلام در تاریکی بر آنها شامل و چراغ هدایت خاموش می گردد.

ادامه دارد...